

سرعت کسیرهای ذهن من

www.ketab.ir

سرشناسه : اعرابی، مازیار، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور : سرعت گیرهای ذهن من/مازیار اعرابی عربانی.
مشخصات نشر : تهران: پشتون، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری : ۱۲۹ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۳۶-۶۰-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
ه.بندی کنگره : ۱۳۹۷ س۴/ع۴۲۳/PIR۸۳۳۴
رده بندی دهلی : ۸۶۲/۸۱۸
شماره ثبت کتابخانه ملی : ۵۲۳۵۸۷۵

نام کتاب: سرعت گیرهای ذهن من
نویسنده: مازیار اعرابی عربانی
ناشر: نشر پشتون
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷
شمارگان: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۳۶-۶۰-۰

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

۱	دیباچه
۴	روابطی قابل تناول
۱۰	کافی برای آراسر
۱۸	دست دینی که خسته نباشد
۲۴	حال بازیم یا کمال باز
۲۸	رفاقت
۳۲	شلوغ ولی ساکت
۳۶	اخم
۴۰	جاساز
۴۴	عوض می‌شویم یا عوضی می‌شویم
۴۸	بو

- ۵۴..... غزائیل
- ۵۸..... ادوهای خاص
- ۶۰..... ارایسکه موهای زندگی
- ۶۴..... فراتر از ترکی
- ۶۸..... چیزی برای نوشتن نیست چرا؟
- ۷۰..... منده حال نباشیم
- ۷۲..... هیچ کس قرار نیست مراد کند
- ۷۴..... طاعری آرام، باطنی طوفانی
- ۷۶..... نیوکامل چشمی
- ۷۸..... نوبونه
- ۸۰..... قسم آبی
- ۸۴..... کم شور، بی شور
- ۸۶..... کنکو تبارسی

- ۸۸ بسنی ها کی نهند، بسنی ها خلی نهند
- ۹۲ حی متاوت
- ۹۴ وکترز دکی
- ۹۸ دتم تک نذاره
- ۱۰۰ شید سوانی، حتی؟
- ۱۰۲ کیر کننیم
- ۱۰۴ مردری مردیت، مردون مردیت
- ۱۰۶ مردوم اسم پرست
- ۱۰۸ رضایت مندی بدون ریا
- ۱۱۰ قیمت ما قدر است؟
- ۱۱۲ کلامی بی فکر و تاثیرات آن بر ذهن

ذهن آدمیزاد مانند بزرگراهی با سرعت نامحدود است. هر لحظه ده ها و شاید صدها فکر، رویا، مثبت، منفی، شاد، غمگین و خلاصه از هر نوعی در آن تردد میکنند. گاه سرعت بعضی از فکرهایی که به ذهن می آید آنقدر زیاد است که نه آمدنش را به خاطر میاوریم و نه رفتنش را. بالعکس بعضی از افکار می آیند که بمانند مهمان ناخوانده می شوند. به اینها میگویند طفیلی. طفیلی مهمانی است که کسی دعوتش نکرده. کسی هم مشتاق ماندنش نیست. با این وجود در منزل میزبان جا خوش میکند و علیرغم بی محل میزبان همچنان می ماند. برخی از افکار چنین هستند. برخی دیگر مثبت و سازنده اند. چه برای خودمان و چه برای دیگران. آنهایی که در خور اعتنا نیستند که هیچ کاری با آنها نداریم. بی آزارند؛ ما هم کاری به کارشان نداریم. می آیند و اندکی بعد میروند. آنهایی که آزار دهندند را با دعوت از مهمان جدید خیلی محترمانه از خانه بیرون میکنیم. کفایت به خاطر خوب و یا حتی رویاهایی زیبا و دلپسند بیاندشیم آنوقت آن مهمان ناخوانده بر سر سرایتش با بر میدارد و فرار میکند. اما افکار مثبت و با ارزش را چه باید کرد؟ بمانند و بروند و دیگر هیچ؟ اگر روزی به آنها نیاز داشتیم چکار کنیم؟ از کجا پیدایش زن کنیم؟ آیا براحتی و با یک کلیک بر میگردند؟ واقع امر این است که بسیاری از افکار مثبت همان الهام نیروهای مافوق هستند که شاید در ذهن همه انسانها بایند. در ذهن یک نویسنده به بی خوب میاید. در ذهن یک آهنگساز قطعه موسیقی زیبا میاید و... اگر این الهامات ضبط و ثبت نشوند شاید دوباره بسراغ صاحبش نروند و آن فرصت دیگر به آن شخص داده نشود. هر کدام از ما انسانها نسبت به هموعان خود مسئولیم. بهترین راه ادای تکلیف

نسبت به دیگران در درجه اول اصلاح خود و سپس اصلاح احاد مردم جامعه است. اما آیا میتوان تک تک مردم را اصلاح و ارشاد کرد؟ بله میتوان. و بهترین ابزار و وسیله اصلاح جامعه، کتاب و نوشتن است. امروزه به لطف وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها و شبکه های اجتماعی آمار مطالعه نیز بالا رفته است. هر کس میتواند کاغذ و قلم در دست بگیرد و افکار مثبت و سازنده اش را بنگارد و با دیگران به اشتراک بگذارد. اگر توانست مسیر پر پیچ خم اداری را تا چاپ کتاب طی کند که فیها المراد و گرنه با نوشتن و با اشتراک گذاشتن مطلبش در شبکه های اجتماعی که نه نیاز به مجوز دارد و نه گذراندن پیچ و خم ادارات؛ افکار و سخنان زیبایش را در اختیار دیگران قرار دهد. گاهی برخی دوستان فضیله را به نفع میکنند. دنبال اسم برای مطلب شان میگردند. و یا تصور میکنند مطلبشان بهر بازررس و مهمی برای خواندن نیست. خیال میکنند نویسندگان مادرزادی و ژنتیک برینده بودند. رصدها پیچ و تاب می خورند که به ذهن شان میدهند تا مبادا چند خط مطلب بنویسند. بسیاری از مردم نوشتن را کاری تخصصی میدانند که کار هرکسی نیست در حالیکه تصویری غلط است. هر کس میتواند یک قلم و یک دفترچه یادداشت دم دستش داشته باشد و مطالب زیبا را تأثیر گذاری که به ذهنش میرسد را بنویسد؛ به همین راحتی. و از مجموع آن نوشته ها میتوان کتابی منتشر کرد. حتی اگر به انتشار کتاب هم نرسد به طرق گوناگون میتوان آنها را در معرض مطالعه دیگران قرار داد از جمله شبکه های اجتماعی. طلبه ها شعر طنزی ساخته اند که ملغمه ای عربی - فارسی است و در آن رفتار دون شخصیت هر انسان را به تمسخر گرفته است.

شیخان عجیبان هُما اُبردُ من یخ ، شیخ یتصبی و صبی یتشیخ

ترجمه؛ دو چیز عجیب است که از یخ سرد تر است. پیرمردی که کارهای بچه گانه کند و بچه ای که مثل پیرمردها رفتار کند. و این شعر زبان حال کسانی است که نوشتن را کار متخصصین میدانند و اگر کسی بدون تخصص مطلبی یا کتابی بنویسد مصداق کودک پیرمرد نما میباشد. به هر حال از آنجا که باقی فقط خداست و ما همه فانی هستیم تنها چیزی که از ما میتواند بماند اثری از ماست. سعدی و حافظ و مولوی و دیگران. دهها سال است که رخت از دنیا بریستند ولی آثارشان باقیست. و نوشته های ما نیز میتواند آثار باشد که سالها بعد از ما باقی بماند و نام و یاد ما را شاید جاودانه کند. کتاب پیش و نر حامد دل نوشته ها و تراوشات ذهنی نگارنده محترم است که بسیار کاربردی بوده و کلیه ب ففلهای رفتاری و بالاعم فرهنگی و اجتماعی میباشد. "سید جواد موسوی"